

به نام خدا

عربی نهم / کتابان ۱۴۰۳ / دبیرستان غیر دولتی علوی

کلمه در عربی → اسم: بران ناصدین کس و غیره به کار برده می شود. مانند: الصف، محمد، الشارح  
 فعل: انجام دادن کار یا بر روی دادن حالت در زبان صان متفاوت  
 حرف: کلمه ای که به آغاز سخن گذاشته باشد مثل: چش، علی، ابر

تقسیم بند اسم → از نظر جنس → مذکر: المعلم  
 مؤنث: المعلمة  
 از نظر تعداد → مفرد  
 شش  
 جمع

تقسیم بند اسم از نظر تعداد → مفرد  
 شش  
 جمع  
 مؤنث سالم → ات  
 مذکر سالم → ون  
 مؤنث معتل → ین  
 مذکر معتل → ین  
 کتب، قمار

تقسیم بند فعل → مضارع (مستقبل یا آینده جز مضارع است)  
 ماضی  
 امر

افعال ماضی: غایب  
 هُوَ جَلَسَ ۱  
 هُمَا جَلَسَا ۲  
 هُنَّ جَلَسْنَ ۳  
 هُمْ جَلَسُوا ۴

مخاطب  
 أَنْتَ جَلَسْتَ ۱  
 أَنْتُمَا جَلَسْتُمَا ۲  
 أَنْتُمْ جَلَسْتُمْ ۳  
 أَنْتِ جَلَسْتِ ۴

متکلم  
 أَنَا جَلَسْتُ ۱  
 أَنَا جَلَسْنَا ۲

فعل ماضی: فعلی است که در گذشته انجام شده باشد و تمام شده باشد. مانند: کُتِبَ: نوشته

درس: هندو